

## باسمه تعالی

- ۲ ..... **مقدمه واجب**
- ۲ ..... **واجب نفسی و غیره**
- ۲ ..... **حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث**
- ۲ ..... تقریب اشکال نقضی به حل مرحوم آخوند
- ۲ ..... قصد ارتکازی امر نفسی
- ۲ ..... اشکال نقضی مرحوم نائینی
- ۳ ..... دفاع از مرحوم آخوند: جریان قصد اجمالی در نماز ظهر
- ۳ ..... جواب حلی مرحوم نائینی: امر استحبابی نداشتن طهارات ثلاث
- ۴ ..... تقریب دیگری از عدم تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی
- ۴ ..... عدم صحت قصد امر غیره در نماز ظهر به خاطر عدم وجود امر غیره
- ۴ ..... صحت قصد امر غیره در نماز ظهر به خاطر مقدمیت نماز ظهر
- ۵ ..... حل شبهه تنافی بین کلام مرحوم نائینی

**موضوع:** حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب

## خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. مرحوم آخوند فرمود: طهارات ثلاث استحباب نفسی دارند. مرحوم نائینی چند اشکال بر جواب مرحوم آخوند مطرح کردند. اشکال دوم اندکاک استحباب نفسی در وجوب غیره بود. اشکال سوم، نقضی بود. یعنی طبق جواب مرحوم آخوند وضوی کسانی که غافل از استحباب نفسی هستند، باید باطل باشد، در حالی که گفتنی نیست. مرحوم آخوند شبیه این اشکال را مطرح کرده است و این گونه جواب داده است: قصد امر غیره وضو، قصد استحباب نفسی است ارتکازا.

## مقدمه واجب

### واجب نفسی و غیره

### حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

#### تقریب اشکال نقضی به حل مرحوم آخوند

بحث در مورد ادعای مرحوم نائینی بود.<sup>۱</sup> ایشان فرمود: تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی درست نیست. عمده اشکال ایشان این است: توجهی به امر نفسی در وقت اتیان به طهارات ثلاث نیست. یعنی معمولاً طهارات ثلاث به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان می‌شوند. مرحوم آخوند<sup>۲</sup> نیز شبیه این اشکال را مطرح کردند؛ اما صیانت مرحوم نائینی بهتر است. یعنی مردم وضو برای نماز می‌گیرند و غسل را برای نماز انجام می‌دهند. خلاصه کلام این است که وجوب غیره مورد قصد مردم است.

#### قصد ارتکازی امر نفسی

مرحوم آخوند جواب دادند: کسانی که به قصد امر غیره عمل را انجام می‌دهند، باز هم عملشان صحیح است؛ زیرا امر فقط به متعلق خودش دعوت می‌کند. اگر مکلف یک عملی را به داعویت امر اتیان می‌کند معنایش این است که متعلقش را اتیان می‌کند. مثلاً در جایی که از مکلف یک نماز چهار رکعتی قضا شده است، این گونه قصد می‌کند: همان نماز قضائی که امر به قضا می‌گوید، را اتیان می‌کنم؛ پس اگر نماز ظهر قضا شده باشد، قصد آن شده است؛ زیرا امر به متعلقش دعوت می‌کند. پس مکلف قصد قضای نماز ظهر کرده است ولی از زاویه امر این قصد را کرده است.

#### اشکال نقضی مرحوم نائینی

مرحوم نائینی می‌فرماید: لازمه کلام مرحوم آخوند این است که اگر شخصی نماز ظهر را به داعی امر به نماز عصر اتیان کند، باید صحیح باشد. یعنی نماز ظهر یک امر نفسی و یک امر غیره (مقدمه نماز عصر است) دارد؛ اگر کسی گفت: من نماز ظهر را به خاطر امر غیره می‌خوانم، باید صحیح باشد درحالی که کسی این حکم را قبول ندارد.

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۱۱.

**دفاع از مرحوم آخوند: جریان قصد اجمالی در نماز ظهر**

مرحوم آخوند می‌فرماید: ما می‌توانیم وضو را به قصد امر غیره متعلق به وضو اتیان کنیم و لازمه آن نقض به نماز ظهر نیست. نماز عصر به متعلق خودش که نماز عصر است دعوت می‌کند و امر غیره دعوت به نماز ظهری که برای عصر است دعوت می‌کند؛ پس مرحوم آخوند می‌تواند بفرماید: شخص می‌تواند نماز ظهر را به قصد امر غیره ظهر اتیان کند. یعنی نیت کند که چون خدا به نماز ظهر به صورت غیره امر کرده است، اتیان می‌کنم. هر چند که این گونه نیت کردن فقهی نیست.

**جواب حلی مرحوم نائینی: امر استحبابی نداشتن طهارات ثلاث**

مرحوم نائینی می‌فرماید: اگر وضو به قصد امر غیره اتیان شود، امر نفسی قصد نشده است. در ذهن مبارک ایشان این مطلب است: قصد امر نفسی نیاز به استقلال دارد و اجمالا صحیح نیست. محل بحث ما با مثال نماز قضا متفاوت است. در بحث نماز قضا گفته می‌شود: شخصی یک نماز قضا دارد یا ظهر است و یا عصر است و یا عشا است. بعد می‌گوید: همان نماز قضائی که امر دارد اتیان می‌کنم. در این صورت با عنوان اجمالی به آن نماز قضا اشاره کرده است. مرحوم نائینی نیز این مثال را قبول دارد که صحیح است. اما در محل کلام، ما با امر غیره اشاره به واقع مقدمه نمی‌کنیم. ما ذات وضو را به قصد امر غیره اتیان می‌کنیم. زیرا فرض این است که غافل از امر نفسی هستیم یا قطع به عدم امر نفسی داریم. بنا بر این، اشاره به امر نفسی نکردیم. این که ما با امر غیره قصد امر نفسی را هم کرده باشیم، صحیح نیست. اگر این گونه نیت می‌کرد: همان چیزی که امر غیره دارد، حق با مرحوم آخوند است؛ اما وقتی که مکلف ذات وضو را قصد می‌کند؛ یعنی قصد امر نفسی نشده است. حتی ارتکازا هم قصد نشده است. مرحوم نائینی قائل است: معنا ندارد که غافل از امر نفسی باشد و در عین حال قصد آن را داشته باشد. چگونه می‌شود که در فرض غفلت، وضو را به قصد امر نفسی اتیان کند. بله؛ اگر اجمال داشت و نمی‌دانست که وضو چه کیفیتی دارد جا داشت که اشاره اجمالی بشود؛ اما در صورتی که غافل است یا قاطع به عدم امر نفسی است، قابل اشاره اجمالی نیست.

**نتیجه:** به نظر ما ادعای مرحوم نائینی صحیح است.

### تقریب دیگری از عدم تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی

مرحوم نائینی اشکال (تحقق عبادیت طهارات ثلاث) را به یک صیغت دیگری مطرح کرده است. ایشان فرموده است: بلا اشکال صحیح است ما طهارات ثلاث را به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان کنیم. یعنی داعی شخص به وضو، امر به نماز با وضو است؛ پس عبادیت وضو به امر نفسی نیست؛ زیرا اگر عبادیت وضو به امر نفسی بود، باید مکلف امر نفسی را قصد می کرد و معنا نداشت که امر به ذی المقدمه داعویت داشته باشد. مثل نماز ظهر نسبت به عصر. نماز ظهر مقدمه برای نماز عصر است. در این جا کسی نمی گوید صحیح است نماز ظهر به قصد امر به نماز عصر اتیان شود. بر خلاف محل کلام. وجه اختلاف این دو مورد این است که نماز مطلوبیت نفسیه دارد و باید به داعی امر خودش اتیان شود. اما وضو مطلوبیت نفسیه ندارد و باید به داعی امر به ذی المقدمه اتیان شود. از این که در مقام، می توان وضو را به قصد امر به نماز اتیان کرد و در نماز ظهر و عصر نمی توان نماز ظهر را به قصد نماز عصر اتیان کرد، کشف می شود که وضو امر نفسی ندارد و نماز ظهر امر نفسی دارد.

### عدم صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر عدم وجود امر غیری

بعضی جواب داده اند: هر چند ما این تفاوت بین وضو و نماز ظهر را قبول داریم؛ اما وجه تفاوت این است که وضو مقدمه است و امر غیری دارد؛ اما نماز ظهر چون امر نفسی دارد، امر غیری ندارد (به خاطر استحاله اجتماع مثلین) و نمی توان قصد امر غیری کرد. لذا این که ما نمی توانیم نماز ظهر را به قصد امر غیری اتیان کنیم به این دلیل است که امر غیری ندارد؛ ولی در وضو امر غیری وجود دارد.

### صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر مقدمیت نماز ظهر

به نظر ما این مطالب ربطی به امر غیری داشتن و نداشتن، ندارد. اولاً ممکن است ما بگوییم نماز ظهر امر غیری دارد و اندکاک پیدا می شود؛ پس امر غیری نداشتن نماز ظهر اختلافی است. ثانیاً بر فرض که نماز ظهر امر غیری ندارد؛ اما مقدمیت که دارد. وجه این که می توان وضو به قصد امر به نماز اتیان شود، این است که مقدمه است نه این که امر غیری دارد. منکرین امر غیری نیز می گویند می توان وضو را به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان کنیم؛ چون مقدمه آن است. پس اشکال مرحوم نائینی عود می کند.

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲ منتقى الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج ۲، ص ۲۵۰.

به نظر ما در نماز ظهر هم اشکالی ندارد که قصد امر غیره بشود هر چند که الان متعارف این مطلب نیست؛ اما اگر کسی گفت نماز ظهر را امتثال می‌کنم برای امتثال امر نماز عصر که مشروط به سبق نماز ظهر است، صحیح است. از لحاظ فنی این گونه قصد کردن صحیح است. در وضو چون مقدمیت در ذهن هست و غالب است معمولاً قصد امر غیره می‌شود؛ اما نماز ظهر چون امر نفسی آن غالب است، خلاف ارتکاز است که قصد امر غیره شود.

### حل شبهه تنافی بین کلام مرحوم نائینی

مرحوم نائینی تنبیهی را منعقد کرده است<sup>۱</sup> و در این تنبیه دو مطلب را مطرح کرده است:

مطلب اول: اندکاک امر غیره با امر نفسی محال است. امر نفسی به ذات وضو تعلق گرفته است و محال است مندک در امر غیره که به وضوی عبادی تعلق گرفته باشد، بشود. ضابط اندکاک وحدت متعلق است. امر غیره با امر نفسی استحبابی دو متعلق دارند. امر نفسی به ذات تعلق گرفته است و امر غیره به مقدمه ای تعلق گرفته است که قریبی است. لذا اندکاک محال است.

مطلب دوم: وجوب نفسی ضمنی اندکاک با استحباب نفسی ذاتی پیدا می‌کند و در فرض اندکاک حد استحباب از بین می‌رود و اصل استحباب باقی است و می‌توان اصل آن را قصد کرد.

با توجه به این دو مطلب، این سوال مطرح می‌شود: چگونه مرحوم نائینی از یک طرف اشکال به جواب مرحوم آخوند مطرح می‌کند و می‌فرماید: امر استحبابی وجود ندارد؛ چون با اندکاک امر نفسی از بین می‌رود؛ ولی در تنبیه می‌فرماید اصل محبوبیت باقی است؟

جواب این سوال این است: کیفیت طرح اشکال عبادیت مرحوم نائینی به این ترتیب است: ایشان در ابتدا می‌فرماید: اگر عبادیت طهارات ثلاث به وسیله امر غیره است که دور است و اگر به وسیله امر غیره نیست که سه اشکال مطرح می‌شود. از جمله این اشکالات بحث اندکاک استحباب نفسی در واجب غیره است و استحباب از بین می‌رود. بعد در تنبیه این اشکال را جواب می‌دهد؛ پس کلام مرحوم نائینی تنافی ندارد. در جایی که بحث اندکاک را مطرح می‌کند؛ در مقام تقریب اشکال است و در تنبیه در مقام جواب از آن اشکالات است. در حقیقت در تنبیه، جواب از انعدام امر نفسی به وسیله اندکاک را مطرح می‌کند.

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۷.